

گزارش میراث

فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

| ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان، قفقاز و آناتولی |

سومین: آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی • فارسی: نبح تسبیح پژوهش های آذربایجان و آناتولی / علی شاهپورن • ریشه شناسی ده نام جغرافیایی مربوط به آذربایجان / علی لطف صدیقی

• نام آذربایجان و یک نکته مختصر گویش لغوی / سید احمد رضا قلینقمانی • آسی ها و ایرانیان: عموزنگانی دور از هم با میراث مشترک باستانی / ریحارد فولز، ترجمه: محمدرضا فرامرزی

• اشعار قطب الدین عتیقی اهروی (تبریزی) / بهروز ایمانی • درباره تاریخ مرگ سلمان سلوچی: آیا سلمان در صفر ۷۷۸ قمری در گلشنه است؟ / حسن شریفی صحنی • مجلس المشاق: رمایسی کهن در بحر مقارب، در مسخ و تبدیل ابدان مهمل یلاهی / ساقی تبریزی، مقال داستان های شاهنامه در تبریز دوره قاجاری / سجاد آیتلو • پند سلاطین روم: نصیحت تاملی که ها در آناتولی اوایل قرن هفتم هجری / ای سی اس، پیکاک، ترجمه: شکوفه میندی • سه نامه به فارسی سوره از سده هفتم در آناتولی در دست نوشته «نامه سلاطین» / برهم بهوشمی • سلطان ولدو طریق شاعرانه: پیگردینی خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولای رومی / نورنکین لویس، ترجمه: مویجر، پیکاکلی غنسه • یحیی درباره فرهنگ البرقة بر مبنای نسخه های کهن / علی شاهپورن • سفینه نوحی و مجموعه روحی: بررسی دو سفینه کهن فارسی در حوزه آناتولی / سید علی مبروفعلی • اشعار فارسی گریان سده هشتم آناتولی در جنگ آقشهر (نسخه ۱۰۹۴) / کابلخانه لیندن / احمد بهانی • نامه درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (کراهی بر نقش سیاسی صوفیه در تحولات سده نهم هجری) / عبداللین شیخ الحکامی • سیاست تاریخ نگاری فارسی در دربار سلیمان یکم: شاه قلمس و کتر الجواهر / فرقان ایتن • درآمدی بر شرح های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صغیر / فریا شکومی • معنوی کتاب «اسلام، ادبیات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی»، نوشته اندرو سی. اس. پیکاک / دارید دورن-گلدی (فارسی گوئی با همکاری غناس سلیمس آنکلی)

• نگاهی به کتاب «بزرگناه پادشاهی در اواخر سده های میانه در جهان اسلام، مهاجران ایرانی و شکل دادن به الگوی حکمرانی عثمانی» / کنرو پیکاک، ترجمه: علی شاهپورن • نقدی بر آخرین تصحیح دیوان اشعار فارسی یاروز سلطان سلیم / آتیا احمدی • شعر و شخصیت هماد و غزلی از او در دیوان سمنلی (یوستگی فرهنگی تبریز و شیراز) / محمود علیدی



فهرست

سرخی

آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی / اکبر ایرانی ۵-۳

پیشگام

فارسی: نخ تسبیح پژوهش‌های آذربایجان و آناطولی / علی شاپوران ۱۳-۶

رشد

ریشه‌شناسی ده نام جغرافیایی مربوط به آذربایجان / علی‌اشرف صادقی ۲۲-۱۴

نام آذربایجان و یک نکته مختصر گویشی لغوی / سید احمد رضا قائم مقامی ۲۹-۲۳

آسی‌ها و ایرانیان: عموزادگانی دور از هم با میراث مشترک باستانی / ریچارد فولتز؛ ترجمه: محمد تقی

فرامرزی ۴۰-۳۰

آذربایجان و قفقاز

اشعار قطب‌الدین عتیقی اهری (تبریزی) / بهروز ایمانی ۵۷-۴۱

در باره تاریخ مرگ سلمان ساوجی: آیا سلمان در صفر ۷۷۸ قمری در گذشته است؟ / محسن شریفی ضحی ۶۰-۵۸

جلس المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان / مهدی ییلاقی ۷۶-۶۱

ساقی تبریزی، نقال داستان‌های شاهنامه در تبریز دوره قاجاری / سجاد آیدنلو ۸۲-۷۷

آناطولی

پند سلاطین روم: نصیحة الملوک‌ها در آناطولی اوایل قرن هفتم هجری / ای. سی. اس. پیکاک؛ ترجمه:

شکوفه میبدی ۱۰۹-۸۳

سه نامه به فارسی سره از سده هفتم در آناطولی در دست‌نوشته «نامه سلاطین» / مریم میرشمسی ۱۱۷-۱۱۰

سلطان ولد و طریقت شاعرانه: پیکربندی خصوصیات و کارکرد شعر در سنت مولویه پس از مولانای

رومی / فرانکلین لویس؛ ترجمه: منوچهر بیگدلی خسته ۱۳۴-۱۱۸

بحثی در باره فرهنگ المرقاة بر مبنای نسخه‌ای کهن / علی شاپوران ۱۴۷-۱۳۵

سفینه نوحی و مجموعه روحی: بررسی دو سفینه کهن فارسی در حوزه آناطولی / سید علی میرافضی ۱۶۰-۱۴۸

اشعار فارسی‌گویان سده هشتم آناطولی در جنگ آق‌شهر (نسخه ۱۰۹۴ کتابخانه لیدن) / احمد بهنامی ۱۶۹-۱۶۱

نامه درویش کازرونی به سلطان ابوسعید گورکان و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (گواهی بر نقش

سیاسی صوفیه در تحولات سده نهم هجری) / عمادالدین شیخ‌الحکمایی ۱۸۰-۱۷۰

سیاست تاریخ‌نگاری فارسی در دربار سلیمان یکم: شاه قاسم و کنز الجواهر / فرقان ایشین ۱۹۰-۱۸۱

درآمدی بر شرح‌های دیوان عرفی شیرازی در آسیای صغیر / فریبا شکویی ۲۰۰-۱۹۱

تدوین

معرفی کتاب «اسلام، ادبیات و جامعه در آناطولی عصر ایلخانی» نوشته اندرو سی. اس. پیکاک /

داوید دوران-گدی (فارسی‌گردانی با همکاری عباس سلیمی آنگیل) ۲۰۴-۲۰۱

نگاهی به کتاب «بزنگاه پادشاهی در اواخر سده‌های میانه در جهان اسلام: مهاجران ایرانی و شکل دادن

به الگوی حکمرانی عثمانی» / اندرو پیکاک؛ ترجمه: علی شاپوران ۲۰۶-۲۰۵

نقدی بر آخرین تصحیح دیوان اشعار فارسی یاوز سلطان سلیم / آیتا احمدی ۲۱۸-۲۰۷

تخرانی

شعر و شخصیت همام و غزلی از او در دیوان سعدی (پیوستگی فرهنگی تبریز و شیراز) / محمود عابدی ۲۲۶-۲۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۸۸ - ۸۹

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح

متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم

پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان،
قفقاز و آناطولی

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

دبیر ویژه: علی شاپوران

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۴۰۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: کتیبه آغازین نسخه‌ای از دانشنامه علایی،

کتابت‌شده در سده نهم هجری برای مطالعه سلطان

محمد فاتح (استانبول، سلیمانیه، کتابخانه ایاصوفیه، ش ۲۵۳)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

نام آذربایجان و یک نکته مختصر گویشی لغوی

سید احمد رضا قائم مقامی

دانشگاه تهران
qaemmaqami@ut.ac.ir

حکومت هخامنشیان می‌رسد که اسکندر او را بر منصب خود باقی گذاشت و منابع غربی او را غالباً *Atropates* می‌گویند و اصل *Atropates* همان *ātr-pāta* مذکور است. این چیزی است که استرابون در کتاب جغرافیای خود (کتاب یازدهم، ۱۳، ۱) گفته و محققان مکرراً از آن یاد کرده‌اند. مع‌هذا این اشتقاق فراموش شده بوده و این که یاقوت حموی در معجم البلدان (ذیل آذربایجان) آن را به «آذرباذ از احفاد نوح یا بیوراسپ» نسبت می‌دهد یا «نگهبان آتش» معنی می‌کند، به همین جهت فراموشی است. نولدکه (Nöldeke, 1880) و آیلرس (Eilers, 1982: 17-18) و بعضی دیگر به این فراموش شدن اشتقاق اصلی توجه داده‌اند.

صورت فارسی این نام، چنان‌که گذشت، آذربایگان بوده و اصل آذربایگان آن‌طور که در کتیبه‌های ساسانیان و کتاب‌های پهلوی آمده *Ādurbādagān* بوده و صورت کهن‌تر آن *Āturpātākān* (تلفظ جزء اول به صورت *ātar* یا *ādar* نیز محتمل است، بلکه باید قطعی فرض کرد که گونه دیگر این کلمه *ādar* و در یک مرحله قدیم‌تر *ātar* بوده است. تلفظ *ātir* هم نامحتمل نیست. با این حال، به سبب تحولات غیرعادی این کلمه در ایرانی باستان و میانه، علی‌العجاله وارد بحث آن نمی‌شویم). به یونانی به آن *Atropatēnē* و به یونانی بیزانسی غالباً *Aδrabiyanōn* یا *Aδarbiyanōn* می‌گفته‌اند و این نماینده تحول تلفظ این کلمه در طی چند قرن است. در ارمنی آن را غالباً *Atrapa-takan* نامیده‌اند و در سریانی غالباً *Ādhorbāighān* (درباره این صورت‌های مختلف نام آذربایجان، از جمله رک. Minorsky, 188: 1986). صورت یونانی بیزانسی را مورخانی مانند پروکوپئوس نقل کرده‌اند و این، چنان‌که محققان تاریخ ساسانی گفته‌اند و به خودی خود هم باید آشکار باشد، همان آذربایجان فعلی یا به تعبیر غربی «مادِ آذربایگان» (*Media An-* کارل آندرئاس (An-dreas, 1893, Col. 345-346) در همان قرن نوزدهم، توجه داده

اشتقاق نام آذربایجان معلوم است و جز گروهی که از مسائل تاریخی و لغوی به کلی بی‌اطلاعند احتمالاً کسی از آن بی‌اطلاع نیست و از قضا همین گروه است که اشتقاق عجیب برای آن اختراع می‌کند. گروهی نیز برای خوش‌آمد یا پرهیز از بدآمد گروه‌هایی که اهداف سیاسی یا قومیتی دارند، اشتقاق واضحاً نادرست را نیز هم‌ردیف و همانند اشتقاق درست، ذیل «نظر برخی از محققان» نقل می‌کنند. این قدر تردید و تذبذب نیز در کار علمی روا نیست. در این نوشته آراء بعضی محققان برجسته درباره اشتقاق نام آذربایجان را از چند منبع نقل می‌کنیم و سپس به یک نکته دستوری و لغوی و گویشی نیز اشاره‌ای می‌کنیم. در نقل آراء محققان سعی می‌کنیم به همین صرف نقل مختصر، هر چند مکرر آن‌ها، اکتفا کنیم و این مخصوصاً از آن جهت است که یک-دو مرجع از این مراجع شاید کمتر محل رجوع محققان ایرانی باشد.

اشتقاق آذربایجان تقریباً همان است که کسروی (۱۳۵۶): ۳۱۳-۳۱۷ گفته است: آذربایگان از اصل قدیم‌تر آذربادگان (آذربادگان در شاهنامه حاصل اشتقاق عامیانه است و ممکن است وزن شعر نیز در ساختن آن مؤثر بوده باشد). آذربادگان مرگب است از آذرباد و پسوند -گان. اصل کلمه آذرباد در پهلوی *ādur-pād* یا *ādar-pād* (یا *bād* در جزء دوم) است و اصل آن در یکی از زبان‌های ایرانی باستان *ātr-pāta* به معنای «آنکه ایزد آذر محافظ اوست». با این حال، نام آذربایجان نه مستقیماً به این کلمه، بلکه به نام حاکم آن نواحی در پایان

۱. بایگان که در فارسی معاصر باب شده و بعضی فرهنگ‌ها آن را به معنای محافظ و حارس ضبط کرده‌اند، از روی همین اشتقاق غلط کلمه آذربایگان به آن فرهنگ‌ها و سپس به فارسی معاصر راه پیدا کرده‌است و در واقع لغت نبوده‌است. آنچه در حاشیه برهان قاطع آمده (تبریزی، ۱۳۴۲: ۲۱۲/۱) و دیگران، بدون ذکر نام معین یا با ذکر نام او، تکرار کرده‌اند، نادرست است.

که این نام یک نام پدرفرزندی یا نسبی است که از روی نام آترپات (Atropates یونانیان) ساخته شده است. آندرئاس همچنین متذکر شده است که تلفظ دقیق این کلمه را در فارسی میانه، به علت ابهام خط پهلوی، به دقت نمی توان معلوم کرد و صورت آن در منابع ارمنی (از اواخر قرن چهارم میلادی به بعد)، یعنی Atrpatakan، نیز به احتمال قوی نماینده تلفظ ادوار قدیم تر است که ارمنیان آن را به واسطه نزدیکی جغرافیایی و ارتباطات نزدیک با اشکانیان از ایشان گرفته اند. اما صورت سریانی سابق الذکر، چنان که آندرئاس در همان جا آورده، از اوایل قرن سوم میلادی بازمانده و قدیم ترین شاهد آن در نوشته ای است از یکی از شاگردان بردیصان. آندرئاس از روی آن به تلفظ Ādhubādhaghān (آذربادغان) در قرن سوم میلادی قائل شده که البته به دلیل قبول ذال و غین خالی از اشکال نیست. یک صورت یونانی از قرن هشتم و نهم میلادی، از تاریخ نیکفوروس (د. ۸۲۹م)، ظاهراً مؤید این تلفظ در ادوار بعد است و آن صورت Ađorbađıyanon است.

در ارمنی، در کنار صورت رایج Atrpatakan، یک صورت Atrpayakan نیز لااقل در هفت موضع از کتاب فلوستوس (فسطس) بیزانسی (اواخر قرن چهارم میلادی) به کار رفته که ظاهراً نشانه تحول d کلمه در همان زمان به y است. در نوشته های سریانی بعد از قرن پنجم میلادی نیز صورت Ādhorbāighān استعمال دارد و آن نیز مؤید این تلفظ است. مؤید دیگر این تلفظ ضبط یونانی کلمه است در نوشته های مورخان بیزانسی (از نیمه اول قرن ششم میلادی) که در سطور قبل گذشت. جز پروکوپئوس، تئوفیلکتوس در اواخر همان قرن ششم میلادی صورت معادل تلفظ Ađrabiyanon را به کار برده است، اما همو یک جا نیز صورت Atrapaikan را آورده که با صورتی که فلوستوس آورده سازگار است و احتمالاً آن را از منابع ارمنی گرفته است. در نوشته های بعضی مورخان دیگر بیزانسی، تلفظ های دیگری نیز هست که بعضی مصوت دوم کلمه را، همانند نیکفوروس، ضمّه نشان می دهند (Ađorbađıyanon؛ قس. آنچه در سطور قبل از نیکفوروس نقل شد) و ممکن است از روی آن ها حتی بتوان به سایشی بودن b کلمه نیز قائل شد (به واسطه تلفظ «بتا» در خط یونانی). درباره این

صورت های مختلف به همان نوشته آندرئاس باید رجوع کرد و به نوشته یوهانس فریدریش وایسباخ (Weissbach, 1896) و به چند صورت دیگر را نیز به صورت های مذکور در نوشته آندرئاس اضافه کرده است.

بعضی محققان، از جمله جیمز دارمستتر، در آنچه استرابون گفته، یعنی در ارتباط نام آذربایگان با نام آترپات، تردید کرده اند. ماکسیمیلیان اشتراک (Streck, 1903) به این تردیدها در جلد اول از ذیل دائرةالمعارف پاولی پاسخ گفته است و منابع دیگری نیز به بحث افزوده است، از جمله کتاب ایرانشهر یوزف مارکوارت و مقاله تئودور نولدکه در جلد سی و چهارم مجله انجمن شرق شناسی آلمان (Nöldeke, 1880). نولدکه در برابر رأی دارمستتر - که اشتقاق کلمه را از نام آترپات سابق الذکر نادرست می داند و ناشی از بدفهمی مورخان یونانی می شمارد و خود معنای عجیب «جایی که آتش در آن فرو افتاده» (از ریشه pat - به معنی «افتادن») را به جای آن می نهد - استدالات تاریخی استوار کرده و اشتقاق لفظ را به همان صورت که گذشت تکرار و مدلل کرده است. ذکر آنچه در کتاب های فارسی یا کتاب ها و دانشنامه های دستیاب تر، مانند دانشنامه ایرانیکا، در این باره آمده ضرورت ندارد و ظاهراً همین اندازه درباره اصل جزء اول این لغت کفایت می کند، اما درباره جزء دوم نیز ذکر چند کلمه لازم است.

پسوندهای سازنده نام مکان های جغرافیایی غالباً مختص به محلی خاص نیستند، ولی در بعضی نواحی کاربرد بسیار بیشتری دارند. پسوند -گان، و صورت قدیم تر آن agān - و akān -، چنان که امیل بنونیست (Beneveniste, 13-17: 1966) معلوم کرده، در زبان پهلوی اشکانی (پهلوانی) بسیار بیش از دیگر زبان های ایرانی کاربرد داشته و از آن زبان به زبان های ارمنی و سریانی نیز راه یافته و مخصوصاً در ارمنی، به واسطه نفوذ فراوان اشکانیان در ارمنستان - که شمار فراوان الفاظ پهلوانی دخیل در ارمنی میراث آن است - بسیار پرکاربرد شده و شیوع و تداولی یافته که در هیچ یک از زبان های ایرانی نظیر ندارد (ترجمه نوشته بنونیست در پایان همین نوشته خواهد آمد). بی سبب نیست که بازمانده این پسوند در نام شهرها و دیه های ایران، یعنی پسوند -گان و -جان،

در زمان اشکانیان این نام‌ها بسیار رواج داشته‌است و به همین اعتبار شاید بتوان اشکانیان را باعث رواج و شیوع این پسوند دانست (قس. ص ۱۴۵ و ۱۵۲ از مقاله نولدکه). با این حال، رواج این پسوند در نواحی مختلف ایران، از جبال و فارس و خوزستان و کرمان گرفته تا ماوراءالنهر، بیش از پسوند -گان یا -جان است، جز آن‌که در نواحی مرکزی ایران، یعنی اصفهان و یزد و نواحی مجاور آن‌ها، کاربرد آن‌ها ظاهراً بسیار کمتر است، هرچند که ظاهراً فهرست دقیقی از این نام‌ها به دست نیست. در ماوراءالنهر (در سغد، و نه خوارزم)، چنان‌که می‌دانیم، پسوند -کث و گونه‌های دیگر آن (از اصل Kanēa) رایج‌تر بوده و این نیز اختلافی است که میان پهلوی اشکانی و زبان مجاور آن، سغدی، وجود داشته‌است (پسوند -کث موضوع یک مقاله مفصل پاول لوریه بوده‌است. نتایج آن مقاله با بحث حاضر ارتباط مستقیمی ندارد: Lurje, 2003). در خوارزم ظاهراً -میش (و صورت بعدی آن -میهن) در ساخت نام‌های مکان‌ها معمول‌تر بوده‌است، مانند خرْمِش و کُشمِش (در باره این پسوند نیز به مقاله سابق‌الذکر از نولدکه رجوع شود).

بنابراین، دو پسوند بسیار رایج در نام‌های جغرافیایی ایرانی به نظر می‌رسد بیشتر میراث زبان خراسان در زمان اشکانیان باشد و همین میراث است که به ارمنستان نیز رسیده‌است و آذربایجان بی‌تردید در انتقال آن مؤثر بوده‌است. نام آن ایالت نیز خود جزئی از این میراث را در طی قرون نگاه داشته‌است، هرچند که پسوند -گان در نام آن ایالت سابقه‌ای قدیم‌تر از عهد اشکانیان دارد و از اندک شواهد این پسوند است که از زبان‌های ایرانی باستان (نه ایرانی میانه) بازمانده‌است.

منابع

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران (دوره جدید).
- کسروی، احمد (۲۵۳۶ [۱۳۵۶]). کاروند کسروی. به‌کوشش یحیی ذکاء. تهران: کتاب‌های جیبی.
- ANDREAS, K. F. (1893). "Adarbigana". *Paulys Realencyclopädie der classischen Altertumswissenschaft*, I, Cols. pp. 345-347.

بیشتر در نواحی تحت نفوذ زبان پهلوانی یا زبان‌های خویشاوند با آن زبان پیدا می‌شود. از رجوع به مداخل جان و گان در لغت‌نامه دهخدا به دست می‌آید که بیشتر این نام‌ها متعلق به سواحل دریای خزر، منطقه جبال تا اصفهان (و مخصوصاً اصفهان) و آذربایجان است و این‌ها نواحی‌ای بوده‌اند که زبان‌ها یا گویش‌های فهلوی، فارغ از دقیق بودن یا نبودن این عنوان، در آن‌ها روایی داشته‌است. البته از نام‌های ساخته‌شده با این پسوند در فارس نیز شواهد بالنسبه قابل توجهی به دست است که آن نیز ممکن است حاصل سیطره فرهنگی اشکانیان در دوران فرمانروایی طولانی‌مدت آنان و نفوذ آنان در دستگاه حکومت ساسانیان باشد، چنان‌که بنونیست گفته‌است.

زبان آذربایجان، یا به‌طور کلی زبان‌های ایرانی نواحی ماد در پیش از اسلام و پس از آن (و از آن جمله زبان آذربایجان) حتماً با زبان پهلوانی قرابت‌هایی داشته‌اند و این قرابت را با ارمنی هم از بعضی جهات داشته‌اند. یک نمونه جالب توجه معروف از آن گرایش به کاربرد r به جای l (غالباً از اصل d) در گویش‌های تاتی آن نواحی از یک طرف و ارمنی از طرف دیگر است و این خصوصیتی است که از قبل از اسلام در آن نواحی برقرار بوده‌است. پسوند -گان و -جان در نام ایالت بزرگ شمال غرب ایران و بعضی شهرها و دیه‌های آن یا مجاور آن، مانند بسفرجان، لایجان، کججان، انارجان، و ارزنجان نیز یکی از همین مشترکات و پیونددهنده خراسان با نواحی جبال و آذربایجان و اَران به‌لحاظ زبانی است.

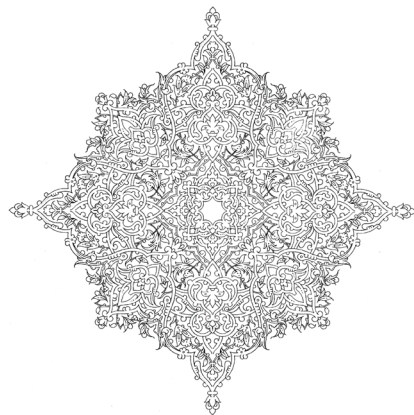
از یک پسوند دیگر نیز یاد می‌کنیم که در نام امکنه رایج است و احتمالاً پرکاربردتر از -گان و -جان، بی‌آنکه بخواهیم وارد جزئیات مباحث آن شویم، و آن پسوند -گرد و -جرد و صورت کهن‌تر آن، -کرد و -کرت و -karta- است. از شواهدی که در مقالات هاینریش هویشمان (Hüb- (schmann, 1876)، اُتو بلاو (Blau, 1877)، آندرتاس مورتمان (Mordtmann, 1878)، و مهم‌تر از همه تئودور نولدکه (Nöldeke, 1879) آمده معلوم می‌شود که نام‌های شهرها و دیه‌هایی که با این پسوند ساخته شده در خراسان و ارمنستان بیش از نواحی دیگر متداول بوده و مخصوصاً در ارمنستان

برای مزید فایده، صفحات ۱۳ تا ۱۷ کتاب بنونیست با عنوان القاب و نام‌های خاص در ایران باستان در اینجا نقل می‌شود. بنونیست در صفحات ۱۱ و ۱۲، به نقل از کتیبه بزرگ شاپور اول، فهرستی آورده از نام‌های خاص پدرفرزندی (مجموعاً ۲۷ نام)، مانند «اردشیر بلخشگان» و «زروانداد بندگان». ذکر تمام آن نام‌ها به سه صورت پهلوانی و پارسی و یونانی، به نحوی که در نوشته بنونیست است، در اینجا ضرورت نداشت. در آوانویسی، همان شیوه بنونیست بدون تغییر رعایت شده است.

از این شواهد برمی‌آید که نام پدرفرزندی، یعنی نامی که دلالت بر بنوّت یا ابوّت کند، در زبان پهلوانی (پهلوی اشکانی) و زبان پارسی (پهلوی ساسانی) به یکسان، یعنی به کمک کلمه مشتقی ساخته شده با پسوند *-akān [-agān]* ساخته می‌شده است، اما در شیوه به کار بردن این کلمه مشتق در ساختار جمله میان دو گویش اختلافی هست: در پهلوانی کلمه‌ای که پسوند *-akān* را می‌پذیرد و در حکم صفتی است برای نام خاص پیش از خود، بلافاصله بعد از آن نام می‌آید، اما در پارسی میان این دو *ZY* واسطه می‌شود، یعنی *ī* یا *īg*؛ مثلاً در پهلوانی گفته می‌شود *Šāhpuhr Pāpakān* و در پارسی *Šāhpuhr ī Pāpakān*. این تفاوت اساسی ملاکی است برای تشخیص اختلاف میان دو گویش. استثنایی در این ۲۷ شاهد نیست؛ تنها بی‌قاعدگی در *Nrshy Bldk'n* (سطر ۶۵) است که حذف *ZY* از آن احتمالاً جز حاصل تصادف نیست؛ زیرا در تمامی نام‌های پارسی که پیش و پس از آن آمده است، *ZY* بنا بر قاعده میان اسم و نامی که دلالت بر بنوّت می‌کند [و در حکم صفت آن است] واسطه شده است؛ بنابراین، هر دو تحریر پهلوانی و پارسی کتیبه شاپور از این جهت مشخص و متمایز از یکدیگرند.

اکنون می‌توان قاعده‌ای برای نحو نام‌های خاص وضع کرد که از مقایسه این دو تحریر به دست می‌آید و آن این که در پهلوانی نام پدرفرزندی ساخته شده با پسوند *-akān* بلافاصله مانند بدل بعد از نام خاص می‌آید و در پارسی این دو به واسطه *ī* به هم وصل می‌شوند. این قاعده در جای دیگر دیده نشده و بعید است که باشد. حال باید دید که این

- BENVENISTE, E. (1966). *Titres et noms propres en Iran ancien*, Paris.
- BLAU, O. (1877). "Ueber -karta -kerta in Ortsnamen". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 31, pp. 495-505.
- BUZAND, P. (attrib.) (1985). *History of the Armenians*. trans. R. BEDROSIAN. New York: Sources of the Armenian Traditions.
- EILERS, W. (1982). *Geographische Namengebung in und um Iran*. München.
- HÜBSCHMANN, H. (1876). "Iranisch-armenische Namen auf kert, gird". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 30, pp. 138-141.
- LURJE, P. (2003). "The Element -kaō-/ -kand in the place-names of Transoxiana". *studia Iranica* 32/2, pp. 185-212.
- MINORSKY, V. (1986). "Adharbaydjān". *Encyclopaedia of Islam* 2, Vol. 1, pp. 188-191.
- MORDTMANN, A. (1878). "Ueber die Endung kart, kert, gird in Städtenamen". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 32, pp. 724-728.
- NÖLDEKE, Th. (1879). "Ueber iranische Ortsnamen auf kert and andre Endungen". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 33, pp. 143-156.
- ----- (1880). "Atropatene". *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 34, pp. 692-697.
- STRECK, M. (1903). "Zum artikel Atropatene". *Paulys Realencyclopädie der Classischen Altertumswissenschaft*, Supp. I, Cols. pp. 223-224.
- WEISSBACH, J. (1986). "Atropatene". *Paulys Realencyclopädie der Classischen Altertumswissenschaft*, I, Cols. pp. 2149-2150.



ساخته شده با akān- در این اسناد علی‌الخصوص نام تاکستان‌ها و نام مکان‌هاست: artaxšahrakān (اردشیرگان؛ ص ۱۷)، mihrdātakān (مهردادگان؛ ص ۱۷)، gōtarzkān (گودرزگان؛ ص ۱۷)، artabānūkān (اردوانگان؛ ص ۲۰)، argakān (ص ۲۰)، fryapatikān (ص ۲۰)، sāsānakān (ساسانگان؛ ص ۳۵). این نام‌های مکان کلمات مشتقی هستند که دلالت بر تعلق و ملکیت می‌کنند و با اسمی مانند «باغ» یا «رز» همراه می‌آیند که در شواهد موجود معمولاً حذف شده است؛ مثلاً مقصود از sāsānakān «(باغ) ساسان» است. این را از بعضی عناوین واضحی می‌توان دریافت که این اسم از آن‌ها حذف نشده است؛ مثلاً در متن یونانی-پهلوانی‌ای که در اورامان پیدا شده، و آن نیز از قرن اول قبل از میلاد است،^۴ شماری از این دست شواهد آمده است، مانند

Dtbkn KRY KRMA, gr. Dadbakanras / Dadbakabaq یعنی Daδbakān raz/bāg («رز دذوکان» یا «باغ دذوکان»). معادل یونانی نام اصلی را درست و دقیق تکرار کرده، با این فرق که در اصل پهلوانی raz (رز) یا bāg (باغ) پیش از Daδbakān آمده است. Daδbakān مشتق است از Daδv (برابر با Daδvah- اوستایی، دَی فارسی) و پسوند -akān- ساختن کلماتی با این پسوند در ایرانی باستان سابقه دارد و چندین شاهد از مشتقاتش از آن دوره به دست است، مانند Mitrhrakana در اسناد یونانی برابر با Mierakāna به معنی «(جشن) مهر»، Atrpātākāna (در ارمنی Atrpatakan- و جز آن به معنی «آذربایگان، (قلمرو) آذرباد، (قلمرو) Ātrpāta»، و چند نام در اسناد آرمانی جزیره الفیل مصر از قرن پنجم قبل از میلاد، مانند Swnkn^۵، که می‌توان آن را کمابیش suwanakāna- یا suwānakāna خواند به معنی «(ساکن) اسوان، اسوانی» و Twskn^۶ برابر با Tūsakāna* یا Tusakāna* یا Tausakāna*، بر وفق این که آن را با نام

قاعده را دیگر متون کتیبه‌ای به زبان‌های ایرانی میانه غربی نیز تأیید می‌کند یا خیر. اما انتظار هست که به اختلافات میان متن‌ها نخست از جهت دوره نگارش آن‌ها و سپس از جهت تعلق آن‌ها به گویش‌های درون زبان پهلوانی نیز توجه کنیم، زیرا این زبان -که ما آن را پهلوانی می‌نامیم- مشتمل بر گونه‌های مکانی بسیار دور از هم بوده و تمیز دادن هر یک از این‌ها در جای خود لابد مفید خواهد بود. فی‌المثل در تحریر پهلوانی کتیبه شاپور حتی یک شاهد نیز از ادات اتصال ēē [در حکم کسره اضافه] نیست، حال آنکه ēē در متون پهلوانی ترفانی نقش کسره اضافه دارد.^۲ به خلاف آن، در متون پهلوانی ترفانی خبری از نام‌های پدرفرزندی ساخته شده با پسوند -akān- نیست (البته این هم هست که در این نوشته‌ها اقتضای استعمال نام‌های پدرفرزندی نیز کم است). آنچه می‌ماند این است که تلقی و شناخت ما از گویش‌های زبان پهلوانی نیازمند تدقیق بیشتر است؛ تلقی و شناخت فعلی کافی نیست و مجموعه اسناد و موادی را که زیر این عنوان جمع آورده‌ایم، چنان‌که باید، شامل نمی‌شود.

حال می‌توان این مطلب را قدری جلوتر برد و پراکندگی گویشی ساخت نحوی نام‌های پدرفرزندی را نیز سنجید. بعضی شواهدی که من می‌شناسم مناسب این بحث است. در عباراتی مانند Ardašīr ī Pāpakān (اردشیر بابکان) در پارسی (= پهلوی) و قارن کاوگان در فارسی قدیم (در شاهنامه)، که در آن‌ها نام پدرفرزندی ساخته شده با پسوند -akān- به واسطه کسره اضافه به نام شخص پیوسته، پیدا است که با ساختی مواجهیم که متناسب است با فارسی میانه و در واقع از آغاز دوره ساسانیان کاربرد داشته است. به خلاف آن، نام‌های پدرفرزندی پهلوانی خصوصیتشان این است که نام خاص و نام ساخته شده با پسوند -akān- بی‌فاصله از پی هم می‌آیند و این را شواهد متعدد تأیید می‌کند.

نخست اسناد پهلوانی نسا را نقل می‌کنیم که پُرند از نام‌های خاص و بسیاری از آن‌ها نیز تاریخ دقیق دارند (عموماً از قرن اول قبل از میلاد).^۳ نام‌های پدرفرزندی

۲. کاربرد ēē در رسالات و کتیبه‌های پهلوانی را مری بویس در جشن‌نامه مورگنسترنه (۱۹۶۴، ص ۲۹ به بعد) به نحوی عالی توصیف کرده است.
۳. همه این شواهد را از کتاب دیاکونوف و لیوشیتس با نام اسناد نسا (مسکو، ۱۹۶۰) نقل می‌کنیم.

۴. چاپ نیبرگ (Le Monde Oriental XVII, 1923, p. 182). در این نوشته به مشتقات ساخته شده با پسوند -akān- جداگانه توجهی نشده است. در همان سند یک bykšk'n نیز آمده (قس هینگ، ص ۳۰، یادداشت ۱ از Iranistik)، اما این کلمه یک اسم است معادل Pseilophutos متن یونانی.

5. Cowley, *Aramaic Papyri of the Fifth Century*, 24³³, 33⁶, 67³.

6. Driver, *Aramaic Documents of the Fifth Century*, n° 1.

پهلوان مذکور در اوستا Tusa یا با Tausa* (در پهلوی Tōs، در فارسی توس) پیوند دهیم.^۷

با این حال، از بین تمامی گویش‌های ایرانی، پهلوانی است که بیش از همه مشتقاتی با این پسوند ساخته؛ مشتقاتی از نام‌های خاص که به عنوان صفت اسم پیش از خود به کار می‌رود. نمونه خوبی از اسناد نسا نقل می‌کنیم، در متنی نوشته شده به تاریخ سال ۸۹ قبل از میلاد: yzn nnystnkn که آن را باید āyazan nanaistānakān خواند، یعنی «نیایشگاه نَیستان» و نَیستان جایی بوده است وقف الهه نئی؛^۸ بنابراین، کلمه مشتقی که با پسوند akān- ساخته شده صفتی را می‌سازد که به لحاظ نقش و کارکرد مانند مضاف‌الیه است، و این یک خصوصیت نحوی زبان پهلوانی است. اما هم به جهت زبان‌شناسی هم به جهت تاریخ این کاربرد، باید این را نیز متذکر شد که پسوند akān- را دو زبان دیگر نیز از زبان پهلوانی قرض گرفته‌اند و خود به کار برده‌اند: سریانی^۹ و علی‌الخصوص ارمنی.

شواهد ارمنی در این جا اهمیت بسیار دارد. البته از قبل می‌دانیم که پسوند akān- که در زبان ارمنی این قدر پرکاربرد و زیایست اصل ایرانی دارد،^{۱۰} اما امروز می‌توانیم به دقت منبع آن را معین کنیم: akān- خاصه پسوند پهلوانی است و اگر بخواهیم یک منشأ برای آن معلوم کنیم همان زبان پهلوانی است. حال می‌گوییم که زبان ارمنی نه فقط پسوند، که کاربرد نحوی آن را نیز از زبان پهلوانی گرفته است. در زبان پهلوانی است که منشأ شمار بسیاری از نام‌های خاص ارمنی ساخته شده با پسوند akān- را می‌یابیم و همین نام‌ها هسته اول این ساخت را در ارمنی پدید آورده‌اند. به علاوه،

۷. بنا بر افسانه‌های محلی شهر توس منسوب است به توس پهلوان؛ رک. Darmesteter, *Le Zand-Avesta*, II, p. 380.

۸. همان کتاب دیاکونوف و لیوشیتس، ص ۱۵، ۱۷، ۴۳ و شماره ۱۶۸۲.

۹. Cf. Hoffmann, *ZDMG* 32 (1878), p. 753.

۱۰. هنوز درباره این پسوند جز اشارات بسیار مختصر هوشمان (Hübschmann, *Armenische Grammatik*, S. 94) و میه (Millet, *Altarmenisches Elementar*), 36a (buch, 1959: S. 92) (Jensen, *Altarmenische Grammatik*) چیز دیگری نوشته نشده است و لازم است که درباره موضوع در کلیت آن تحقیق جدید شود. با وجود آنکه کلمات زیادی با این پسوند ساخته شده، پیگیری سیر تحول آن جالب توجه خواهد بود. درباره نام‌های مکان ساخته شده با این پسوند در ارمنی رک. Hübschmann, *Ortsnamen*, p. 378.

در زبان پهلوانی است که الگوی نحوی اسم و نام پدرفرزندی را - که زبان ارمنی از آن استفاده وسیع کرده - می‌یابیم. به این معنا که در ارمنی نیز کلمه مشتقی که با پسوند akān- ساخته شده در کاربرد نحوی خود صفت یک اسم واقع می‌شود و آن کلمه مشتق خود از یک نام خاص ساخته شده است. در سطور گذشته از تعبیر پهلوانی āyazan nanaistānakān یاد کردیم. این تعبیر تقریباً برابر است با تعبیر ارمنی nanēakan mehean به معنای «نیایشگاه نئی».^{۱۱} اختلاف دو تعبیر این است که یکی مقلوب دیگری است. زبان ارمنی در این جا از زبان پهلوانی گرده‌برداری کرده است، با یک تفاوت، و آن تفاوت لغوی است نه نحوی، و آن این که nanēakan ارمنی بر روی اسم الهه Nanē ساخته شده و nanaistānakān پهلوانی بر روی یک اسم مکان، یعنی nanaistān، که خود مشتقی است از نام آن الهه، به معنای «سرزمین نئی».^{۱۲} اکنون مجازیم که شمار فراوان تعبیر مشابه در ارمنی را حاصل تأثیر پهلوانی بدانیم، علی‌الخصوص آن تعبیری که دلالت بر نام مکان‌ها یا پرستشگاه‌ها دارند، مانند mehean anahtakan، یعنی «پرستشگاه ناهید»، ormzdakan، یعنی «پرستشگاه مهر»، hur، یعنی «آتش اورمزد»، vramakan krak، یعنی «آتش بهرام» [لفظاً: ناهیدگان، مهرگان، اورمزدگان، بهرامگان]. همین‌ها الگوی نام‌گذاری‌های دیگر، خاصه نام‌گذاری‌های قومی، واقع شده‌اند، مانند parskakan lezu، یعنی «زبان پارسی»، kasbiakan cov، یعنی «دریای کسپی (خزر)»، azg ariakan، یعنی «مردم ایرانی»، و سپس کلماتی که از اسم‌ها مشتق شده است، مانند hrštakakan، ašxarhakan، sphakan و جز آن‌ها،^{۱۳} و این‌ها دایره نخستین کلمات ساخته شده با akān- را وسعت بخشیده‌اند.

11. Agathange, p. 410 = Agath. Gr. Athēnas Bōmós.

در کتاب هوشمان نه نام Nanē آمده و نه صورت مشتق Naneakan.

۱۲. این نام مکان خبر از عمومیت کیش الهه نئی در نسا می‌دهد. هوفمان (Auszüge, pp. 49, 130) و گاریت (Documents pour l'étud du livre d'Agath-) (ange, p. 195) درباره این الهه تحقیقاتی کرده‌اند (نیز رک. مراجع آن دو). درباره شکل و شمایل این الهه بر نقوش سگه‌های کوشان، رک. Maricq, *JA* 1958, p. 424; Göbl, *Iranica Antiqua*, I, 1961, p. 109.

۱۳. aregakan که در کتاب الیشه (تصحیح میناسیان، ایروان، ۱۹۵۷، ص ۴۶) آمده، مضاف‌الیه است.

به یاد بیاوریم که در شمار مناصب و مراتب ساسانیانند، ولی مسلماً اصل کهن‌تری دارند.

در پرتو این آگاهی‌ها، نام معروف Ardašīr ī pāpakān را نیز باید از نو تفسیر کرد. pāpakān مشتق از pāpak نیست، بلکه مشتق است از pāp که هم در پهلوی شاهد دارد هم در ارمنی؛^{۱۶} بنابراین، در پهلوی هم pāp استعمال داشته هم pāpak، چنان‌که Ohrmizd و Ohrmizdak.

علاوه بر این‌ها، تأثیر زبان پهلوانی را در سرایت پسوند -akān به زبان سریانی نیز باید در شمار آورد. در اسناد سریانی، این پسوند فقط در الفاظ دخیل ایرانی استعمال نداشته (قس. صفحات قبل)، بلکه سریانی در ساختن مشتقات جدید از کلمات غیرایرانی نیز از آن استفاده کرده‌است؛ مانند hmarqānā, qaitōnəqānā، به معنی «خرسوار»، و دیگر کلماتی که زحمت جمع‌آوری آن‌ها باید کشیده شود.^{۱۷} بیرون از زبان پهلوانی، پسوند -akān در زبان‌های ایرانی میانه کاربرد محدودی دارد؛ مثلاً در اسناد سغدی،^{۱۸} شواهد آن عبارت است از qysrk'n، یعنی «(سکه) قیصر، دینار»، ptrk'n، یعنی «(مال) پدری، میراث»، nm'čk'n، یعنی «(موضوع) نماز و ستایش، آنچه پیش کش کنند»^{۱۹}، و این نشان از استعمال اندک این پسوند در سغدی دارد که به وضوح در تقابل است با شواهد فراوان آن در زبان پهلوانی.

به واسطه این مقایسه - که در ضمن آن این دو زبان جنبه‌هایی از یکدیگر را بر ما روشن می‌کنند - معلوم می‌شود که پهلوانی در این مسأله الگوی زبان ارمنی واقع شده و گرده‌برداری زبانی در ارمنی رخ داده‌است. اگر متون پهلوانی طولانی‌تری به دست داشتیم که عبارات قالبی یا کلیشه‌ای آن‌ها کمتر می‌بود و علی‌الخصوص این قدر گرفتار هزوارش‌ها نبود که متون نسا هست، می‌توانستیم تحوّل این مشتقات را در خود زبان پهلوانی نیز پی بگیریم. این قدر هست که به واسطه وام‌گیری‌های زبان‌های تحت تأثیر پهلوانی از آن زبان، در درجه اول ارمنی، ولی همچنین آرمانی، می‌توانیم آگاهی‌های اجمالی به دست آوریم. از شماری از این وام‌گیری‌ها معلوم می‌شود که زبان پهلوانی کاربرد پسوند -akān را به ورای نام‌های خاص توسعه داده بوده و آن را برای ساختن اسم‌های شغل نیز به کار بسته بوده‌است، مانند aspinjakān به معنی «میزبان، مهمانسرا دار» (مطابق 'špyzkn' سریانی و aspnjakan ارمنی)، zēndānakān، به معنی «زندانبان» و naxšīrakān به معنی «صیاد» (مطابق 'zndnkn' و 'nhšyrkn' در آرمانی تلمودی^{۱۴})، ruvānagān، به معنی «آنچه برای روان خود یا در گذشته کنند [از جمله اوقاف]» (در متون ترفانی)، به علاوه مشتقاتی ساخته شده از نام‌های خاص، مانند šābuhragān، یعنی «(کتاب) شاپور»، نام کتاب مانی، و نام‌های خاندانی مانند kamsārakān و kavosakan و vsemakan (این سه نام اخیر در ارمنی) و جز آن‌ها، که شمارشان فراوان است.

این احتمال هست که کلمات ساخته شده با پسوند -akān در پارسی میانه نیز از سنت پهلوانی به میراث رسیده و در مصطلحات دیوانی و رسمی یا در نام‌های پدرفرزندی بر جای مانده باشد. چنان‌که در صفحات قبل گذشت، خصوصیت کاربرد این کلمات در پارسی این است که میان دو نام کسره اضافه‌ای واسطه شود. علاوه بر نام‌های خاصی که در کتیبه شاپور جمع آمده‌است، باید القاب و عناوینی مانند andarzpat ī vāspuhrakān («اندرزید واسپهران»)^{۱۵} را

16. Hübschmann, p. 65.

۱۷. واقع آن است که هوفمان (ZDMG 32, p. 15, n. 5) سال‌ها قبل به این مسأله توجه داده، ولی هنوز کسی چنین تبعی را به عهده نگرفته‌است.

18. Gershevitch, *A Grammar of Manichean Sogdian*, 1063 sq.

از سغدی بودایی شاهد نداریم.

19. JA 1959, p. 129.

14. Cf. Telegdi, JA 1935, I, pp. 243, 248; Widengren, *Iranisch-semi-tische Kulturbegegnung*, 1960, pp. 26, 95.

15. Cf. Bailey, BSOAS 13 (1349), p. 123.

Table of Contents

Editorial

Azərbaycan and the History of Persian Language and Culture/ Akbar IRANI	3-5
---	-----

Introduction

Persian: the string binding Different Azərbaycan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN	6-13
--	------

The Roots

The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azərbaycan / Ali Ashraf SADEGHI	14-22
The Name Azərbaycan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	23-29
The Ossetes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard Foltz; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI	30-40

Azərbaycan and Caucasus

The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI	41-57
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / Mohsen SHARIFI SAHI	58-60
<i>Jālīs al-Mushtāq</i> : An Old Romance in Motaqārib Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI	61-76
Sāqī-yī Tabrizi: A <i>Naqqāl</i> (Storyteller) of the <i>Shāhnāma</i> from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO	77-82

Anatolia

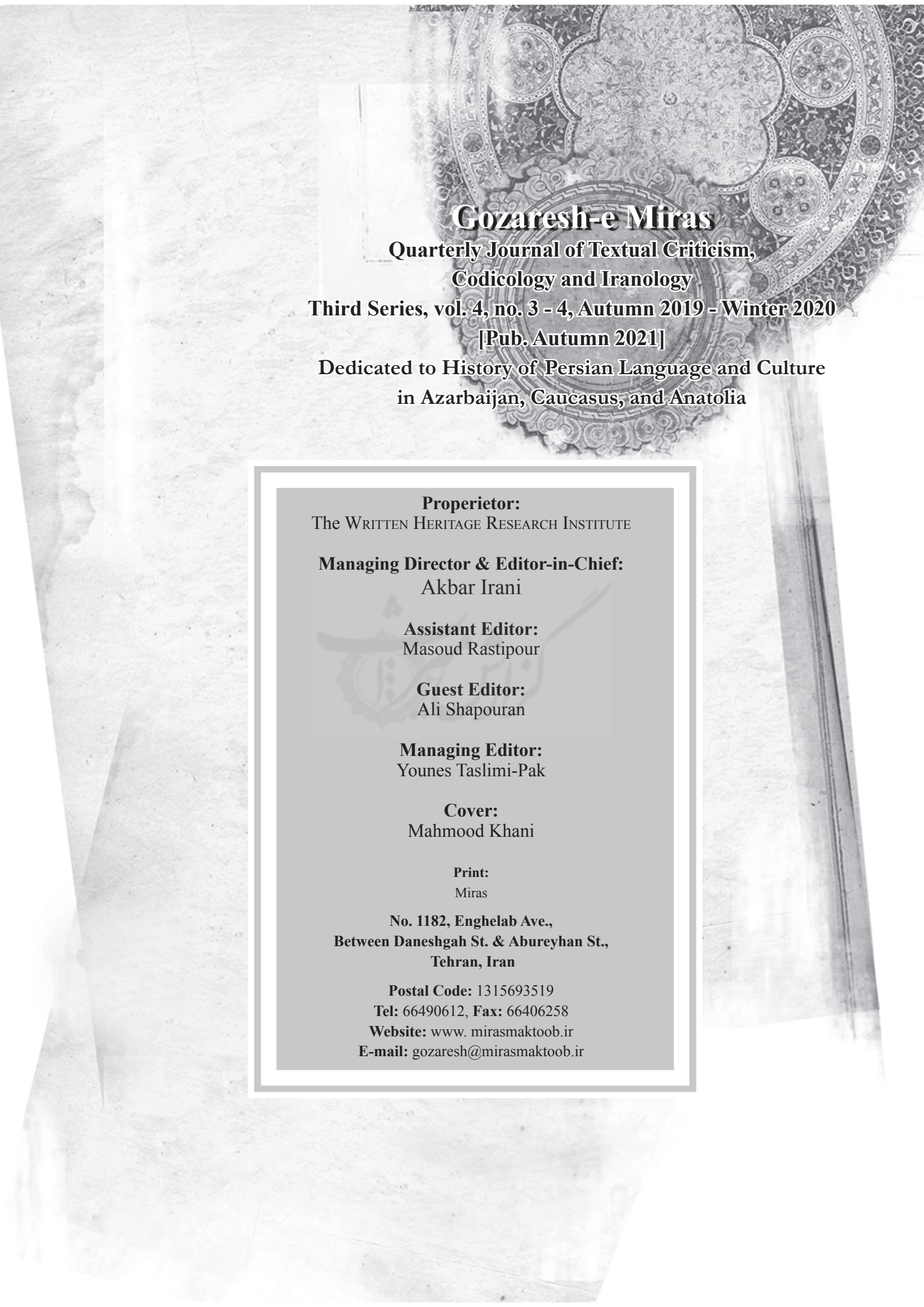
Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK; Translated by Shokoofe MAYBODI	83-109
Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of <i>Nāma-yi Salātīn</i> / Maryam MIRSHAMSI	110-117
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE	118-134
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary <i>al-Mirqāt</i> Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN	135-147
<i>Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī</i> : Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI	148-160
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Âq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI	161-169
A Letter from a Kāzīrūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKMAEI	170-180
The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and <i>Kanz al-Javāhir</i> / Furkan İŞİN	181-190
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yī Shirazī's <i>Divan</i> in Asia Minor / Fariba SHOKUHI ...	191-200

Reviews and Critiques

A. C. S. Peacock, <i>Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia</i> (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review)	201-204
Christopher Markiewicz, <i>The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty</i> (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review)	205-206
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian <i>Divan</i> of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI	207-218

Lecture

The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's <i>Divan</i> : The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI	219-226
---	---------



Gozarash-e Miras

**Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology**

**Third Series, vol. 4, no. 3 - 4, Autumn 2019 - Winter 2020
[Pub. Autumn 2021]**

**Dedicated to History of Persian Language and Culture
in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia**

Properietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

Assistant Editor:

Masoud Rastipour

Guest Editor:

Ali Shapouran

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, Fax: 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozarash@mirasmaktoob.ir

Table of Contents

Editorial

Azarbaijan and the History of Persian Language and Culture/ Akbar IRANI 3-5

Introduction

Persian: the string binding Different Azarbaijan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN 6-13

The Roots

The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbaijan / Ali Ashraf SADEGHI 14-22

The Name Azarbaijan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 23-29

The Ossetes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard Foltz; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI 30-40

Azarbaijan and Caucasus

The Poems of Qutb al-Dīn-i Afīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI 41-57

On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H.? / Mohsen SHARIFI SAHI 58-60

Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārib Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI 61-76

Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO 77-82

Anatolia

Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK;

Translated by Shokoofe MAYBODI 83-109

Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / Maryam MIRSHAMSI 110-117

Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE 118-134

A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN 135-147

Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI 148-160

The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Āq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI 161-169

A Letter from a Kāzīrūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMAEI 170-180

The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / Furkan İSİN 181-190

An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yī Shirāzī's *Divan* in Asia Minor / Fariba SHOKUHI ... 191-200

Reviews and Critiques

A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review) 201-204

Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review) 205-206

A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI 207-218

Lecture

The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI 219-226